

BACCALAURÉATS GÉNÉRAL ET TECHNOLOGIQUE

SESSION 2015

PERSAN

MARDI 23 JUIN 2015

LANGUE VIVANTE 2

Série **L** – Durée de l'épreuve : **3 heures** – coefficient : **4**

Séries **ES-S** – Durée de l'épreuve : **2 heures** – coefficient : **2**

Séries **Hôtellerie - ST2S et STMG** – Durée de l'épreuve : **2 heures** – coefficient : **2**

Séries **STI2D, STD2A, STL** – Durée de l'épreuve : **2 heures** – épreuve facultative

Le candidat choisira le questionnaire correspondant à sa série.

L'usage des calculatrices électroniques et du dictionnaire est interdit.

Dès que ce sujet vous est remis, assurez-vous qu'il est complet.
Ce sujet comporte 4 pages numérotées de 1/4 à 4/4.

Répartition des points

Compréhension de l'écrit	10 points
Expression écrite	10 points

گوش ماهی‌ها

از زویا پیرزاد

1. هر بار قرار بود دیدن مادر بزرگ¹ برویم آلتوش برای نرفتن انواع بهانه‌ها را می‌آورد. (...). و می‌گفت "حوصله ی خانه ی مادر بزرگ را ندارم! نمی‌فهمید؟ هیچ چیز برای بازی کردن نیست! به هیچ چیز نباید دست زد! پرده‌ها همه کلفتند! چراغها کم نور. دلم می‌گیره! چرا نمی‌فهمید؟" و سر آخر با این شرط راضی به آمدن می‌شد که "کم بمانیم و بعدش برویم منزل مامالی."

5. "مامالی"² مادر من بود. آلتوش مادرم را که می‌دید دست می‌انداخت گردنش و می‌بوسیدش و

می‌گفت "چه بوی خوبی میدی! اینجا چه خوبه! چه پرنوره! آخیش!"

منزل مادرم آلتوش برای همه ی بازی‌های عجیبش اجازه و آزادی عمل داشت. روزی که شیشه‌های

عطر گرانقیمت مادرم را توی وان حمام خالی کرد و مارتا خواست دعواش کند، مادرم که از شدت

خنده اشک توی چشم‌هایش جمع شده بود گفت "چه عالی! حالا تا دو سه هفته حمام خوشبویی داریم."

(...)

10. یک بار دیگر که آلتوش را گذشته بودیم پیش مادرم و من و مارتا رفته بودیم خرید، وقتی که

برگشتیم، آلتوش وسط اتاق نشیمن نشسته بود. دو ظرف چینی قدیمی گذاشته بود روی فرش و با ملاقه

از توی یکی شکر می‌ریخت توی دیگری. مادرم نشسته روی راحتی، کتاب می‌خواند.

مارتا داد زد "نونوش چکار می‌کنی؟! ظرف‌ها می‌شکنند!"

مادرم کتاب را بست. "بشکنند، فدای سرش."

15. ظرف‌ها هدیه ی مادر بزرگ بود، یادم نیست به چه مناسبت.

مارتا که شاید از هیجان خودش یا خونسردی مادر بهتش زده بود، گفت "ولی اتاق پر مورچه شده."

¹ Il s'agit de la grand-mère du narrateur, le père d'Alenouche. Elle est donc l'arrière-grand-mère d'Alenouche.

² Il s'agit de la mère du narrateur, le père d'Alenouche. Elle est donc la grand-mère d'Alenouche.

آلنوش دست‌هایش را به هم کوفت. "جانم جان! حالا با مورچه‌ها مهمانی بازی می‌کنم! تو هم بازی می‌کنی؟" داشت به مادرم نگاه می‌کرد.

مادرم خم شد و به صف مورچه‌ها نگاه کرد که دانه‌های شکر را می‌بردند. بعد از روی راحتی بلند شد، 20. چهار زانو نشست روی زمین و گفت "مورچه‌های این وری مال من، آن وری مال تو!"
مارتا تا شب اخم کرد و با من حرف نزد که چرا زده بودم زیر خنده.

زویا پیرزاد، گوش ماهی‌ها از کتاب یک روزمانده به عید پاک، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷ = 1998.

les prétextes = بهانه‌ها

la louche = ملاقه

l'occasion = مناسبت

être assis, se tenir, se mettre à croupetons = چهار زانو نشستن

se renfrogner, froncer les sourcils = اخم کردن

éclater de rire = زدن زیر خنده

TRAVAIL À FAIRE PAR LE CANDIDAT

I. COMPRÉHENSION DE L'ÉCRIT : (10 points)

۱. چرا آلفوش دوست نداشت به خانه ی مادر بزرگ پدرش برود؟
۲. آلفوش در منزلِ مادر بزرگش، مامالی، چه کارهایی می‌کرد؟
۳. دو ظرفِ چینی قدیمی هدیه ی چه کسی بود؟
۴. چرا مارتا تا شب اخم کرد و با شوهرش (یعنی راوی داستان) حرف نزد؟

II. EXPRESSION ÉCRITE : (10 points)

Les candidats de la série L doivent traiter les deux questions. (120 mots minimum pour chaque question)

Les candidats des autres séries traitent une question au choix. (150 mots minimum)

۱. آیا به نظر شما باید به بچه آزادی عمل داد تا هر کاری دوست دارد انجام بدهد؟
۲. به نظر شما اطاعت و فرمانبرداری از پدر و مادر، مانع استقلالِ شخصیت و شکوفایی کودک می‌شود؟

le narrateur, la narratrice = راوی

l'obéissance = اطاعت و فرمانبرداری

l'entrave = مانع

l'autonomie = استقلال

la personnalité = شخصیت

l'épanouissement = شکوفایی